با تنگتر شدن محاصره ارتش سوریه، غیرنظامیان سوری به بلندی‌های جولان پناه می‌برند

آوارگان سوری در برزخ بلندی‌های جولان

PDF Compressor Free Version



حمیدرضا پیش‌بهار

در حالی که ارتش سوریه در راستای سرکوب شورشیان داخلی به جنوب غرب این کشور رسیده است، غیرنظامیان منطقه برای فرار از درگیری‌های به بلندی‌های جولان پناه برده و بین میدان‌های مین اسرائیلی و موشک‌های روسی گیر افتاده‌اند.

در یک سوی بلندی‌های جولان تعطیلات هفتگی یهودیان فرا رسیده است. نوجوانان آمریکایی که برای تفریح به اسرائیل آمده‌اند با لباس‌های تابستانی به بالای تپه‌ها رفته و نظاره‌گر سمت غربی بلندی‌های جولان هستند، منطقه‌ای که متعلق به سوری‌ها بود اما نیم قرن پیش توسط اسرائیلیان اشغال شد. موتورهای چهارچرخه وسیله تفریحی رایج در این منطقه برای اسرائیلی‌ها است و تنها علامت خطر در این منطقه تفریحی مزمون مشخصی دارد: «مراقب موتورسواران باشید»

اما در سوی دیگر بلندی‌های جولان شرایط به گونه‌ای دیگر است و هشدارها جدی‌ترند. هزاران غیرنظامی سوری به لبه مرز آمده‌اند، به امید آنکه شورشی‌های سوری درگیری‌ها را به این منطقه نکشانده و مردم بتوانند از بمباران هواپیماهای روسیه جان سالم به در برند.

در عمل هیچ تضمینی در کار نیست. جت‌های روسی در حال گشت‌زنی در منطقه هستند و گهگاهی صدای انفجار شنیده می‌شود. حمله نظامیان ارتش بشار اسد به آخرین مواضع شورشیان سوری، درعا و قنیطره، از ماه ژوئن سال پیش آغاز شد و به نظر می‌رسد که جنگ داخلی هفت ساله سوریه در حال پایان است. در چند روز اخیر گفتگوهایی بین نظامیان ارتش و شورشیان انجام گرفته بود تا شورشیان بدون درگیری مواضع خود را تسلیم ارتش کنند. اما بعید به نظر می‌رسد که درگیری‌ها به یکباره پایان یابد.

آوارگان در نزدیکی مرز چادر زده‌اند و حتی بعضی از آنها با به خطر انداختن جان خود به میدان‌های مین مرز اسرائیل نزدیک‌تر شدند و به فنس‌های مرزی رسیدند. آنها که پرچم‌های سفیدی در دست داشتند درخواست عبور از مرز را کردند اما توسط مرزداران صهیونیستی عقب رانده شدند. امدادگران حاضر در منطقه شرایط آوارگان ناحیه قنیطره را وخیم ارزیابی می‌کنند. بنا به اعلام امدادگران آوارگان دسترسی به سرویس بهداشتی نداشته و از کمبود تجهیزات پزشکی و دارو رنج می‌برند.

یکی از امدادگران می‌گوید: «آوارگان در حال نزدیک شدن به فنس‌های مرزی هستند زیرا بمباران روسیه بسیار نزدیک است؛ مردم نمی‌خواهند قربانی درگیری‌های ارتش و شورشیان شوند، این مردم بسیار نگرانند زیرا بسیاری از آنها مخالف این همه جنایت بوده و از همه جهت محاصره شده‌اند. این وضعیت به غایت تراژیک و وحشتناک است»

یکی دیگر از امدادگران که نخواست هویتش فاش شود گفت: «در روز اولی که آوارگان به بلندی‌های جولان رسیدند هواپیماهای روسیه به بمباران منطقه پرداختند؛ هواپیماهای بسیاری به این منطقه آمدند. تعداد آوارگان قنیطره بسیار زیاد است و شرایط انسانی سختی بر منطقه حاکم است. هیچ خانه و سرپناهی وجود ندارد و مردم در صورت یافتن چادر بسیار خوش شانس به حساب می‌آیند».

آوارگان در نزدیکی مرز چادر زده‌اند و حتی بعضی از آنها با به خطر انداختن جان خود به میدان‌های مین مرز اسرائیل نزدیک‌تر شدند و به فنس‌های مرزی رسیدند. آنها که پرچم‌های سفیدی در دست داشتند درخواست عبور از مرز را کردند اما توسط مرزداران صهیونیستی عقب رانده شدند

منطقه جنوب غرب سوریه هم از نظر استراتژیک و هم از نظر سمبلیک برای دولت بسیار با اهمیت است. ماه پیش بود که نظامیان ارتش سوریه با حمایت روسیه توانستند شهر درعا، محل آغاز شورش انقلابیون سوری را باز پس گیرند. در سال ۲۰۱۱ بود که شورش مردم این منطقه باعث ناآرامی در سوریه شد، ناآرامی‌هایی که به جنگ داخلی هفت ساله منجر شد.

آوارگان در لبه مرزهای سوریه گیر کرده‌اند، جایی که سه کشور به هم می‌رسند. سوریه، اردن و فلسطین. اردن تاکنون یک میلیون آواره سوری را در خود جای داده است و اعلام کرده دیگر نمی‌تواند جمعیت بیشتری را قبول کند. اسرائیلیان اشغال‌گر نیز سال‌ها است کنترل این منطقه از فلسطین را در دست دارند و حتی اجازه ورود یک سوری به آن سوی مرزها را نداده‌اند. آنها نگران این هستند که در صورت قبول پناه‌جویان سوری، تعادل اعراب و یهودیان در این منطقه به هم ریزد. با این حال سازمان‌های بشردوستانه بارها از اسرائیل خواسته‌اند به وضعیت وخیم مردم در این منطقه توجه کند. مردمی که از ترس خرس به گرگ پناه برده‌اند.

نتانیاهو در این باره می‌گوید: «ما به دفاع از مرزهای خود ادامه خواهیم داد و به آوارگان اجازه عبور از مرزها را نخواهیم داد، در بهترین حالت می‌توانیم به آنها کمک‌های امدادی برسانیم». در تمامی طول جنگ داخلی روسیه تعداد معدودی غیرنظامی مورد مداوای امدادگران اسرائیلی قرار گرفتند. با اصرار سازمان‌های بشردوستانه در مانگاهی موقعی در این منطقه احداث شده است تا بتوان از این طریق زخمی‌های سوری را مداوا کرد. مرکز درمانی زیو، در شمال فلسطین مملو از غیرنظامیان سوری است که بر اثر بمباران و یا گلوله تفنگ زخمی شده‌اند. نوجوان ۱۴ سوری دو ماه پیش بر اثر انفجار نیمی از پای راست خود را از دست داده است و توسط مادرش به این درمانگاه رسیده است.

اسرائیلی‌ها نگران این هستند که در صورت قبول پناه‌جویان سوری، تعادل اعراب و یهودیان در این منطقه به هم ریزد. با این حال سازمان‌های بشردوستانه بارها از اسرائیل خواسته‌اند به وضعیت وخیم مردم در این منطقه توجه کند. مردمی که از ترس خرس به گرگ پناه برده‌اند

مددجوی عرب وی، فارس عیسی در تشریح وضعیت این پسربچه نوجوان می‌گوید: «او برای هفته‌ها حرف نمی‌زد، بیشتر آوارگان سوری هنگامی که به این درمانگاه می‌رسند ماه اول را در خواب به سر می‌برند. آنها بسیار خسته هستند»

وی معتقد است که نباید کسانی که به شدت مجروح شده‌اند را مجبور به برقراری ارتباط کرد. وی به این زخمی‌ها یک هفته استراحت مطلق می‌دهد و سپس باب گفتگو با آنها را باز می‌کند. ظاهرا بسیاری از زخمی‌ها—مردهای بالغ- شورشیانی هستند که همراه مردم فرار کرده‌اند اما سیاست درمانگاه عدم مداخله در این مسائل است.

موقعیت منطقه‌ای بلندی‌های جولان بسیار حساس است. اشغال این تپه‌ها توسط اسرائیل هنوز توسط مجامع بین‌المللی به رسمیت شناخته نشده است و سوریه و اسرائیل هنوز در وضعیت جنگ به سر می‌برند. بنابراین مردمی که به این مناطق پناه می‌برند جان خود را به خطر می‌اندازند.

پزشک ارشد درمانگاه زیو در مورد واکنش اسرائیل به جنگ داخلی سوریه می‌گوید: «اسرائیل در دو سال اول هیچ توجهی به ناآرامی‌ها نداشت». میشل حریری ۶۳ ساله که اصالتی عرب دارد می‌تواند در حد نیاز به زبان عربی با مجروحان صحبت کند. وی در ادامه گفت: «هر روز صدای بمباران و درگیری شنیده می‌شود، وضعیت اسفناکی است.»

گزارش

تداوم جنایت‌های ضدبشری در یمن

شرایط در یمن برای ادامه زندگی بشر مناسب نیست

با وجود اعلام آتش‌بس در منطقه حدیده یمن، هزاران ساکن این بندر غربی از ترس ادامه درگیری‌ها فرار را به قرار ترجیح می‌دهند.

با فرار هزاران یمنی، بندر محاصره شده حدیده در غرب این کشور تبدیل به شهر ارواح شده است. جنگ‌زدگان یمنی از آتش‌بس و وقفه به وجود آمده استفاده کرده و با فروش آنچه برایشان باقی مانده است شهر را ترک می‌کنند. سازمان ملل از احتمال شکست مذاکرات و از سر گیری آتش‌افروزی‌ها ابراز نگرانی کرده است.

با وجود آغاز گفتگوهای دیپلماتیک بین طرفین جنگ، مدارس و مغازه‌ها کماکان بازگشایی نشده‌اند و هر کس با هر چه دارد در حال ترک شهر است. ایزاک اوکو، مدیر شورای پناهجویان نروژ می‌گوید: «مردم در شرایط بسیار خفت‌باری زندگی می‌کنند و اوضاع شهر برای سکونت انسان مناسب نیست، شرایط برای گروه‌های آسیب‌پذیر غیرقابل تحمل است».

وی در توصیف شرایط حدیده گفت: «شاید جهانیان فکر کنند که با توقف حملات همه چیز آرام شده است اما شرایط در اینجا متفاوت است و مردم چنین احساسی ندارند».

از ماه ژوئن و پس از حمله ائتلاف سعودی به این بندر، نزدیک به ۳۵،۰۰۰ نفر از منطقه حدیده خارج شده‌اند. با آغاز مذاکرات به میانجی‌گری سازمان ملل، بحث واگذاری این شهر به سازمان ملل برای رسیدگی به اوضاع وخیم غیرنظامیان مطرح شده است. حدیده بندری مهم در غرب یمن و سواحل دریای سرخ است و بیش از ۷۰ درصد از واردات یمنی‌ها از این بندر صورت می‌گیرد.

این مذاکرات که توسط نماینده سازمان ملل، مارتین گریفیتس رهبری می‌شود سعی دارد تا با این پیشنهاد محاصره این شهر بزرگ را پایان داده و ورود آب، غذا و سوخت را برای شهروندان یمنی ممکن سازد. وقفه ایجاد شده در درگیری‌ها به نیروی‌های سازمان ملل اجازه داده تا مایحتاج ۲۲ میلیون مردم قحطی‌زده را به دست آنها برسانند، این جمعیت میلیونی بیش از ۸۰ درصد از کل جمعیت این کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

اما با این وجود امدادگران کمک‌های ارسالی را ناکافی می‌دانند و غذای موجود را پاسخ‌گوی ۴۰ درصد نیاز مردم تخمین می‌زنند. سوخت نیز کالایی کمیاب در این شهر است و تنها پاسخ‌گوی ۱۶ درصد نیاز یمنی‌ها است. ورود غذا به شهر بسیار آسان شده است اما مهمترین مشکل حدیده کمبود سوخت است.

مدیر یکی از موسسات ضدجنگ که در سنعی به سر می‌برد در این باره می‌گوید: «بیمارستان‌ها بدون سوخت نمی‌توانند ژنراتورهای خود را روشن کنند؛ پمپ‌های سیستم آب‌رسانی نیز همین وضعیت را دارند، تحت این شرایط احتمال شیوع وبا بسیار بالاست و یمنی‌ها قادر نخواهند بود به زندگی ادامه دهند».

دینا المامون، رییس اداره سیاست‌گذاری و دفاع در سازمان بین‌المللی اکسفام اعلام کرده است که بسیاری از مردم پول لازم برای فرار از این شرایط را ندارند: «برخی از افرادی که تصمیم به فرار گرفتند در راه خروج از شهر قربانی مین‌های زمینی شدند؛ درگیری‌ها در جنوب حدیده کماکان با شدت هرچه بیشتر ادامه دارد و نظامیان به منطقه تحیتا در جنوب حدیده گسیل شده‌اند، مردم حدیده از محاصره هزاران نفر در تحیتا خبر می‌دهند» شرایط در حدیده بسیار وخیم است. مردم تعداد وعده‌های غذایی روزانه خود را به یک وعده کاهش داده‌اند و تجهیزات پزشکی در مراکز درمان امراض کلیوی تمام شده است. امدادگرهای معتقدند که آتش‌بس در بندر حدیده مانع ادامه جنگ در باقی نقاط کشور نشده است و درگیری‌ها در تحیتا و زابید ادامه دارند.

حملات هوایی به شهر شمالی سعده و پیشروی نیروهای زمینی ائتلاف به سمت حدیده باعث شده تا هزاران آواره جنگی به سمت شهر حجه در نزدیکی صنعا پناه برند. امدادگران حاضر در حجه خبر می‌دهند که هزاران یمنی در دمای بالای ۴۰ درجه با کمترین امکانات در حال ورود به این شهر هستند. برای کسانی که هنوز در حدیده به سر می‌برند سئوال اصلی اینجاست که آیا درگیری‌ها دوباره آغاز خواهد شد؟



نماینده سازمان پناه‌جویان نروژ در این باره می‌گوید: «ما در دو سال گذشته شرایط را تحت نظر داریم اما امروز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که به هیچ وجه نمی‌توانیم پیش‌بینی دقیقی از آینده داشته باشیم؛ ما به طور کامل از اقدامات نماینده سازمان ملل حمایت می‌کنیم و آن را تنها راه نیل به صلح در منطقه یمن می‌دانیم. در صورتی که روند مذاکرات به هر دلیلی در این مرحله متوقف شود، آینده غیرنظامیان یمنی بسیار هولناک خواهد بود»

جریده عالم

کارت‌های برنده در دست پوتین



روزنامه گاردین در گزارشی تحلیلی آخرین وضعیت جنگ داخلی در سوریه را مورد بررسی قرار داده است و وضعیت منافع بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی پس از نشست هلسینکی را تشریح کرده است. در ادامه این گزارش را می‌خوانیم.

پس از سقوط غوطه شرقی و محاصره شورشیان سوری در جنوب غرب این کشور، بشار اسد بار دیگر کنترل کشور را در دست گرفته و دیر یا زود پیروزی نهایی خود در جنگ داخلی را اعلام خواهد کرد. اما با پس گیری فیزیکی کشور بسیار راحتر از بازسازی حاکمیت سیاسی است. بشار اسد که دوستان و دشمنان به‌دندان مسلحی دارد و در محافل بین‌المللی طرد شده است، سوال بزرگتری پیش رو است: از جنگ حان سالم به در بردم، آیا در زمان صلح نیز دوام خواهم آورد. وی کاملا در چنگال روسیه است. زیرا با کمک قوای روس و ایرانی بود که توانست از مهلکه جان سالم به در برد. در حال حاضر او نیازمند پشتیبانی این دو کشور است. ایران و روسیه بهای گزافی در این کشور پرداخته‌اند و به همین راحتی‌ها مواضع خود را ترک نخواهند کرد. در این میان مسئله ترکیه هم خودنمایی می‌کند. در سال ۲۰۱۶ بود که نیروهای ارتش ترکیه در حمله علیه نیروهای کرد سوریه آنها را غرب سرشاخه‌های فرات محاصره کرده و به اشغال منطقه پرداختند. ترکیه از همان زمان کنترل منطقه عفرین در شمال حلب را در دست گرفته است. کردهای سوریه کماکان با کمک ۲۰۰۰ نیروی آمریکایی در زمین و هوا، در شرق و شمال شرق این کشور کنترل اوضاع را در دست دارند. آمریکا در ظاهر به دنبال شکار نیروهای داعش است اما نقشه استراتژیک مهمتری پشت این مانورها است. در نهایت به شهر ادلب در شمال غرب سوریه می‌رسیم، جایی که مقصد شورشیان فراری است. در حال حاضر ادلب میزبان بیش از دو میلیون آواره جنگی است. در عین حال این شهر شاهد حضور نیروهای تندرو داعش و مخالفان سکولار بشار اسد است. بشار اسد برای پیروزی در این جنگ باید در مرحله بعد به این منطقه هجوم آورد. این پیش‌بینی سازمان ملل و سازمان‌های امدادی مشابه را به وحشت می‌اندازد. آنها نگران این هستند که ارتش سوریه مانند آنچه در غوطه شرقی رخ داد برای تسلیم شورشیان به بمباران بی‌ملاحظه ادلب بپردازد. هنوز هیچ کس نمی‌داند که ترامپ و پوتین در هلسینکی به چه توافقی بر سر سوریه رسیده‌اند. اما ماهیت کلی توافق در حال آشکار شدن است. مهمترین نکته این است که هر دو طرف خواهان ثبات در سوریه بخصوص در منطقه جنوب غربی این کشور و مرز مشترک با اسرائیل هستند. بنابراین پوتین خواهان باقی ماندن اسد بر مصدر قدرت است و ترامپ نیز با احتیاط این خواسته را قبول کرده است. با حمله ارتش سوریه به منطقه قنیطره در جنوب غربی این کشور، روسیه و سوریه در حال تسریع کار هستند. در کنفرانس خبری نشست هلسینکی پوتین اعلام کرد که به معاهده آتش‌بس سال ۱۹۷۴ در بلندی‌های جولان متعهد است. ترامپ که احتمالا چیزی از بلندی‌های جولان نمی‌داند مجددا بازی ژئوپلتیک را به پوتین واگذار کرد. از طرف دیگر ترامپ مدعی شده که نیروهای نظامی روسیه و آمریکا در سوریه با یکدیگر هماهنگ هستند. انگار وی درگیری نظامیان دو کشور برخورد نزدیک هواپیماهای دو طرف را از یاد برده است. پوتین نیز از این گاف ترامپ به خوبی استفاده کرد و برای مشروعیت بخشیدن به حملات خود در سوریه «هماهنگی‌های» دو کشور را به عنوان الگویی برای همکاری‌های نظامی در جنبه در آینده معرفی کرد. ژنرال‌های آمریکایی مستقر در سوریه این اظهارات را خلاف قوانین آمریکا می‌دانند. به رسمیت شناختن اسد توسط ترامپ باعث خرسندی اعراب حاشیه خلیج فارس خواهد شد زیرا آنها به همراه اسرائیل همواره نگران قدرت‌گیری بیشتر تهران در منطقه هستند. تهران باید نگران خیانت اسد باشد، زیرا نشانه‌های آن در حال بروز است. با پایان جنگ داخلی در سوریه، بشار اسد به احتمال زیاد قید همکاری با ایران را خواهد زد. ترکیه نیز وضعیت مشابهی دارد و مورد استقبال بشار اسد قرار نخواهد گرفت. آیا ایران می‌تواند به پوتین اعتماد کند؟ در نهایت به نظر می‌رسد منافع اسرائیل هم با ثبات در سوریه همخوانی داشته باشد.